

## راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو

انسیه ماهینی<sup>۱</sup>

عبدالحسین خسروپناه<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از ارزش های مقدس دین مبین اسلام که در عصرهای مختلف به صورت های گوناگون مورد تهاجم قرار گرفته و سعی شده تا به صورت کم رنگ در آید، مبحث پوشش بانوان مسلمان است. پذیرش این نکته مهم است که محیط علمی، پوشش متناسبی را می طلبد. بر اساس پژوهشی اغلب دانشگاه های جهان دارای ضوابط خاص و ویژه پوشش متناسب با محیط آموزشی می باشند. علت و ضرورت ضوابط مندی این محیط نه تنها بر باور مندی بر اصول ارزشی که حاکی از جهان بینی آنهاست می باشد، بلکه اکثریت آنها بر اساس نوع ضرورت های محیطی و ایمنی و آرامش روحی روانی متناسب با پیشرفت کار پابندی به ضوابط خاص پوشش را الزام می دارند و چگونگی وضعیت ظاهری را برخاسته از شأن محیط علم و فرهنگ خاص محیط آموزشی می دانند. بر این اساس در این نوشتار سعی شد به راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو پرداخته شود. در این مقاله هر چند از روش کتابخانه ای استفاده گردید، اما سعی شد از تحقیقات میدانی بعمل آمده در این خصوص و مستند قرار دادن آنها بهره جسته شود. در پژوهش حاضر در ابتدا پس از مفهوم شناسی، به بررسی وضعیت پوشش دختران در دانشگاه و آسیب شناسی وضعیت موجود پرداخته شد و برخی از مهمترین علل کم توجهی یا بی توجهی آنان به مقوله ی حجاب در چهار دسته سلسله عوامل فرهنگی و اعتقادی، بیولوژیکی و روانی، اجتماعی و سیاسی بیان گردید و در همین راستا به ارائه راهکارهایی در جهت ترویج پوشش اسلامی پرداخته شد. این راهکارها به دو قسمت بیرونی و درونی تقسیم شده و برای هر یک اقسامی ذکر گردیده است.

واژگان کلیدی: حجاب اسلامی، ستر و پوشش، عفاف، حیا، ترویج.

\* تاریخ دریافت: ۸۸/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۰۳/۰۴

۱. دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر (نویسنده مسئول) آدرس: بوشهر - عالی شهر، بلوار نیایش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر گروه معارف اسلامی / شماره: ۰۷۷۱۲۵۲۵۸۰۵ E-mail: nc1388@hotmail.com
۲. دکترای فلسفه و کلام اسلامی دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. E-mail: akhosropanah@yahoo.com

### مقدمه

همه ادیان دارای نمادها و نشانه‌های گوناگونی هستند. دین اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست و یکی از نمادهای آن، داشتن حجاب اسلامی برای زنان است که به دلیل پیامدهای بسیار فردی و اجتماعی، حساسیت بسیاری در سطح جامعه دارد. در جامعه اسلامی ایران، پوشش اسلامی بانوان به عنوان یک هنجار مثبت اجتماعی، فرهنگی و دینی به حساب می‌آید و عدم رعایت دقیق آن علاوه بر آنکه برای خود فرد عواقبی را در بر خواهد داشت، از نظر حقوقی هم قابل رسیدگی است. ولی متأسفانه به علل مختلف، چرخشی در نگرش به هنجارهای جامعه در زمینه‌های متفاوت از جمله حجاب به وجود آمده که تا حدود زیادی نگرش مثبت به حجاب را تحت الشعاع خود قرار داده و التزام به این واجب شرعی را سست کرده است. در این میان، دانشگاه‌ها جدای از جامعه نیستند و به طور طبیعی از جامعه اطراف خود تأثیر می‌پذیرند. از طرفی، به دلیل موقعیت خاص دانشگاه‌ها از نظر فضای علمی، حساسیت بیشتری نسبت به این محیط وجود دارد.

اساسی‌ترین بحث فرهنگی در دانشگاه‌های جامعه اسلامی، ایجاد دانشگاه اسلامی است که یکی از مصادیق اسلامی بودن آن، پوشش مناسب اسلامی دانشجویان اعم از دختر و پسر است. در پژوهش حاضر فقط پوشش اسلامی بانوان مدنظر بوده، هر چند به دلیل تهاجم وسیع فرهنگی، پوشش مردان مسلمان نیز دستخوش آسیب‌های جدی قرار گرفته است که پرداختن به آن مجال دیگری را می‌طلبد.

### مفهوم‌شناسی

از جمله واژه‌های کلیدی در بحث کنونی عبارت است از: حجاب از نظر لغوی و اصطلاحی، ستر و پوشش، تبرج یا خودنمایی، عفاف و حیا.

### الف) حجاب

واژه‌ای عربی با معانی متعدد است؛ از جمله: پوشش، وسیله پوشیدن، حائل و... ابن منظور، حجاب را چنین معنا کرده است: «حجاب به معنای پوشش است. زن محجوبه؛ یعنی زنی که به وسیله‌ای پوشیده شده است. همچنین حجاب نامی است برای آنچه بدان خود را می‌پوشانند. آنچه میان دو چیز حائل گردد نیز حجاب نامیده می‌شود. جمع آن حُجُب است.» (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۹۸)

در فرهنگ معین و عمید برای «حجاب» معانی ذیل ارائه شده است: پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را بدان پوشانند، روی‌بند، برقع، چادری که زنان سر تا پای خود را پوشانند. (عمید، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۴)

واژه حجاب در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاص پیدا نکرده است؛ از جمله: «و من بیننا و بینک حجاب» (فصلت، آیه ۵). امیر مؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید: «بینکم و بین الموعظه حجاب من الغره». (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۲)

معنای اصطلاحی این واژه نیز تا حدودی متناسب با معنای لغوی آن است. البته این واژه در علوم مختلف به کار رفته، اما در اینجا کاربرد فقهی آن مدنظر است. مؤلف کتاب معارف و معاریف آن را به معنای پوشش، روگیری، ستر و عفاف دانسته است و در اصطلاح شرع، آن را پوشیدن زن، خویشتن را از مردم نامحرم دانسته که از دستورات مؤکد شرع مقدس اسلام و از ضروریات و بدیهیات این دین و همه ادیان آسمانی است. (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۸۴۶-۸۴۵)

#### ب) ستر و پوشش

برخی بر این باورند که در قدیم و به خصوص در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» به معنی پوشش، به کار می‌رفته و از کلمه حجاب استفاده نمی‌شده است؛ زیرا از معانی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده شود، ممکن است این گمان را در برخی ایجاد کند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. حال آنکه پوشش زن در اسلام بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری نپردازد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۸). با توجه به کثرت استعمال واژه حجاب و مترادف قرار دادن آن با اصطلاح پوشش اسلامی، دیگر این شائبه به ذهن کسی وارد نمی‌شود که معنای حجاب، همان پشت پرده قرار دادن زن است.

#### ج) تبرّج یا خودنمایی

خودنمایی و تبرّج جزء مواردی است که به صورت غریزی در خلقت زن نهادینه شده است و اگر درست کنترل نشود و جز در کانون خانواده بروز نکند، موجب ویرانگری فرد و در نهایت، جامعه خواهد شد. البته خودنمایی می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد و از طریق لباس پوشیدن، حرف زدن، راه رفتن، استعمال بوی خوش، مغازله، خنده، بشاشت، برخورد جذاب و امثال اینها بروز نماید.

#### د) عفاف

عفاف از ریشه «عَفَّت» است و راغب اصفهانی آن را چنین معنا کرده است: «عَفَّت، پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از فزون خواهی شهوت جلوگیری شود». (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۵۰) در ادب پارسی، «عفاف» از نظر معنا و گویش متفاوت است. در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: «عفاف: پارسایی و پرهیزگاری، پاکدامنی، که غالباً به کسر اول تلفظ می کنند». معنای عفاف در کلام معصوم (ع)، کنترل و میانه روی می باشد؛ یعنی کنترل تمایلات و هدایت نیروها در مسیر صحیح خود. مثل کلام امیر مؤمنان علی (ع): «کل قانع عقیف». (۱۳۶۶، ص ۳۹۳). برخی معتقدند عفاف لزوماً با پوشش همراه نیست و بر عکس، هر پوشیدگی لزوماً عفاف را با خود ندارد. اما بر هر انسان منصفی پوشیده نیست که یکی از راههای شیوع عفاف در جامعه، حجاب و پوشیدگی است. در حقیقت؛ حجاب به طور طبیعی نتیجه عَفَّت است و این دو از هم قابل انفکاک نیستند.

#### ه) حیا

واژه ای عربی است که در زبان فارسی با کلماتی همچون شرم و آزر از آن یاد شده است. علامه ملامهدی نراقی حیا را چنین تعریف می کند: «حیا محدودیت و در تنگنا افتادن نفس محرمات شرعی و عقلی و عرفی، از ترس نکوهش و سرزنش است. تقوا اجتناب از گناهان شرعی است و حیا اعم از این است و عبارت است از اجتناب از آنچه عقل و عرف نیز آن را زشت و ناپسند می دانند». (نراقی، ۱۳۶۷، ص ۳۶۸) یکی از آثار حیا، عفاف و یکی از نتایج عفاف، حجاب است. لازم به ذکر است حد حیا مانند عفاف، از حد پوشش گسترده تر است. اکنون اگر بخواهیم تعریفی از حجاب ارائه دهیم می توانیم بگوییم: «امتثال امر الهی در عدم جلوه گری های جسمی و قولی، به علت سالم سازی جو جامعه از تسلط خوی حیوانی شهوانی بر خوی انسانی روحانی». (دهقانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶) پوشش اسلامی در منطق دین، طیف گسترده ای از رفتارهای مختلف از پوشش کامل اندام (به استثنای مواضع خاص) تا شیوه گفتار، نگاه، راه رفتن، استفاده از زیورآلات، آرایش کردن و کاربرد عطرها تحریک کننده جنس مخالف را در بر می گیرد. نقطه مقابل تعریف فوق، تعریف بی حجابی یا بدحجابی است. پوشیدن لباسهای تنگ و بدن نما، تحریک کننده و بدشکل، پوشیده نبودن برخی مواضع نیازمند پوشش، آرایش نامناسب و نداشتن

وقار لازم در اجتماع را می‌توان در مقولهٔ بدحجابی گنجانید. برجسته‌ترین مصداق بی‌حجابی که همگان تلقی مشترکی از آن دارند، نداشتن پوشش مناسب است. به عبارت دیگر؛ اگر بی‌حجابی را پدیده‌ای دارای جلوه‌های متنوع بدانیم، آنچه پیش از هر چیز از این واژه به ذهن می‌رسد، نداشتن پوشش مناسب است. (شرف‌الدین، ۱۳۸۶، ص ۳)

### پیشینه تاریخی

توجه به داستان حضرت آدم و حوا، فطری بودن پوشش را اثبات می‌کند. طبق آیات شریفهٔ قرآن کریم (اعراف، آیه ۲۲)، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه، دارای لباس بوده‌اند؛ اما با خوردن از آن درخت ممنوعه، لباس خود را از دست دادند و بلافاصله به پوشاندن خود اقدام کردند.

این احساس شرم از برهنگی حتی بدون ناظر بیگانه و سرعت در پوشاندن خود به وسیلهٔ برگها از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشتهٔ وحی یا تذکر هر یک به دیگری صورت گرفته، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می‌کند لباس و پوشش به تدریج و بر اثر تمدن ایجاد نشده است، بلکه انسانهای نخستین یا به تعبیر بهتر؛ نخستین انسانها، به طور فطری بدان گرایش داشته‌اند.

شواهد تاریخی متعددی نیز بر این مطلب دلالت دارد که پوشاک و پوشش در همان اعصار اولیهٔ تاریخ وجود داشته و اصولاً انسانهای عریان یا نیمه‌عریان یا وجود نداشته‌اند یا کمیاب بوده‌اند. غیر از کتبی که در مورد تمدن در جهان بحث کرده و به این موضوع پرداخته، می‌توان به کتبی که تاریخ لباس و پوشاک را در دوران گذشته مورد بررسی قرار داده‌اند مراجعه کرد تا به راحتی به این نتیجه رسید.

جایگاه پوشش زن در ادیان مختلف به خصوص شرایع الهی، با توجه به متون دینی آنها کاملاً مشهود است؛ تا آنجا که شکی وجود ندارد که ادیانی مانند زرتشت، یهود و مسیح دارای تعالیم خاصی در مورد پوشش زن بوده‌اند. بنابر این، مسلم است که قبل از اسلام حجاب در جهان وجود داشته و اسلام مبتکر آن نیست. همچنین از لابه‌لای متون تاریخی چنین به دست می‌آید که زنان عرب قبل از اسلام دارای حجاب بوده‌اند. ولی در اواخر، زنانی پیدا شدند که بدون حجاب و احیاناً با آرایش ظاهر می‌شدند و این امر باعث اختلاط زیانبار مرد و زن شد. (وجدی، دایره المعارف، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۳۳۶).

شواهد متعدد در قرآن کریم نیز حاکی از این نکته است که زنان جامعه عرب قبل از اسلام برای حضور در اجتماع از پوشش مناسب برخوردار نبودند. به همین دلیل، آیاتی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد که در وهله اول همسران ایشان را از متابعت آن الگو منع می کرد (احزاب، آیات ۳۳-۳۲). همچنین دستورهای اصلاحی اسلام نسبت به پوشش زنان، حاکی از برخی نقصها و کاستی‌ها در پوشش زنان آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است (احزاب، آیه ۵۹). شواهد تاریخی نشان‌دهنده آن است که زنان مسلمان بعد از نزول این آیات، در رفتار و پوشش خود تغییراتی به وجود آوردند و با پوششهای متفاوتی در اجتماع حاضر شدند.

مسئله حجاب در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا به طور اجمال در سوره احزاب و سپس با تفصیل بیشتر در سوره نور آمده است. دانشمندان علوم قرآنی معتقدند سوره‌های نور و احزاب از سوره‌های مدنی قرآن هستند. سوره احزاب متعرض حوادث سال پنجم هجری و چهارمین یا پنجمین سوره‌ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و سوره نور نیز بعد از سوره نصر، پس از صلح حدیبیه (سال ششم هجری) و قبل از فتح مکه (ماه رمضان سال هشتم) در مدینه نازل شده است. (ر.ک. به: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، صص ۳۷۷-۳۷۶؛ زرکشی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۵۱؛ سیوطی، ۱۴۲۴، ج ۱، صص ۴۳-۴۱؛ معرفت، ۱۴۲۸، ج ۱، صص ۱۰۷-۱۰۶)

### بررسی وضعیت پوشش دختران در دانشگاه

جوان‌هنگامی که وارد دانشگاه می‌شود، روابط جدید و موقعیتهای گوناگون فرارویش قرار می‌گیرد؛ ارتباط با دوستان، استادان و جنس مخالف. او در می‌یابد وارد محیطی آزادتر و بازتر شده است. دانشجو واقعاً تشنه علم، پیشرفت، کمال و آزادی است؛ اما اگر در مسیر صحیح خود قرار نگیرد، لذت بهره‌مندی از کمال مطلوب را نخواهد برد.

یکی از مهم‌ترین تأثیرپذیری‌های جوانان در چنین محیطی، تأثیرپذیری در زمینه نوع پوشش و روابط است. بر هیچ‌کسی پوشیده نیست که جوان مسلمان، به طرق مختلف ارتباطی متأثر از تمدن جدید و جهان غرب است و نسبت به پیشینه، تحصیلات، تربیت خانوادگی، ساختار روانی و عاطفی و توانایی‌های فکری خود، نسبت به آن واکنش نشان خواهد داد. رسالت مؤسسات آموزش عالی، تربیت جوانانی آگاه به اهداف اسلام، مطلع از فرهنگ غنی و مستقل اسلامی - ایرانی و متعهد به مصالح کشور است و باید در این راستا گام بردارند.

لازم به ذکر است که رعایت پوشش مناسب در فضاهای علمی نه تنها با توجه به آموزه‌های دین اسلام قابل تأکید و تأیید است، بلکه حتی در جوامع غربی نیز مورد تأیید قرار گرفته است:

«بعضی تحقیقات در مورد تأثیرات لباسهای فرم مدارس بر درک دانش‌آموزان، این نظریه که لباسهای جنسی ممکن است یکی از عوامل مزاحمت جنسی باشد را نیز به طور غیر مستقیم تأیید می‌کنند. هم‌شاگردی‌ها و معلمان، توانایی علمی و رفتارهای مثبت مربوط به مدرسه دخترانی را که لباس فرم بر تن می‌کنند بالاتر از آنهایی که لباسهای متداول می‌پوشند، ارزیابی می‌کنند. علاوه بر این، یک تحقیق نشان داده است که دخترانی که لباس فرم بر تن می‌کنند، در مقایسه با آنهایی که لباس عادی می‌پوشند، احساس مثبت‌تری از امنیت و ارتباط با همسالان در مدرسه بیان کرده‌اند.» (لوی و کسر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶)

اما در پاسخ به این سؤال که در حال حاضر وضعیت پوشش دختران در دانشگاهها چگونه است، می‌توان گفت که در وهله اول باید به این نکته توجه داشت که دانشگاه، تابعی از محیط اجتماعی است؛ لذا نمی‌توان حد فاصلی را بین سایر محیطها با این محیط آموزشی رسم کرد و آنگاه به بررسی وضعیت پوشش دختران در آن حیطه پرداخت. در اوایل انقلاب اسلامی، پذیرش و عمل به ارزشهای دینی و اعتقادی در همه سطوح اجتماعی جامعه پررنگ بود؛ اما هر چه از آن زمان فاصله گرفته، به زمان کنونی نزدیک‌تر می‌شویم، چرخشی وسیع در هنجارهای فرهنگی و دینی مشاهده می‌شود. یکی از دلایل این چرخش فرهنگی، تجدیدزنگی و غربزدگی جامعه است. همچنین مدگرایی و تنوع‌خواهی یکی از موارد شایع در بین برخی جوانان و از جمله دختران است که متأسفانه در بین دانشجویان نیز وجود دارد. این چرخشهای هنجاری جامعه در سالهای اخیر به میزان قابل توجهی رشد یافته است. طی یافته‌های پژوهشی گزارش شده است:

«۸۶/۲٪ از پاسخگویان معتقد بودند که در سال ۶۵، عدم رعایت حجاب از نظر مردم عیب داشت؛ یعنی خانمها به علت اینکه احساس می‌کردند مردم از بی‌حجابی خوششان نمی‌آید و احتمال دارد به آنها به گونه‌ای توهین (مجازات) شود، بیشتر حجاب را رعایت می‌کردند. این بدان معناست که در آن زمان، یک کنترل درونی در مورد ارزشهای انقلابی مذهبی وجود داشت و قبح آن نریخته بود و مسئولان مجبور نبودند با فشار، اجبار و توییح، اکثریت خانمها را به رعایت حجاب وادارند. برای سال ۷۱، این ارزیابی به ۴۱/۵٪ می‌رسد. همچنین ۸۱/۸٪ از پاسخگویان معتقد بودند که مردم جامعه در سال ۶۵ به خانمهای چادری احترام می‌گذاشتند، در حالی که این رقم برای سال ۷۱ به ۳۶/۸٪ می‌رسد. در چنین وضعیتی، در شرایط بی‌مهری، سرکوب اجتماعی و عکس‌العمل‌های پرخاشگرانه به دارندگان نمادهای مذهبی، در واقع نیاز به احترام و

عزت نفس افراد خدشه‌دار می‌شود و آنها در پی کسب احترام، خود را با فشار هنجاری تطبیق داده، حجاب، ریش و دیگر سمبل‌های مذهبی، نظیر رفتن به مسجد را کنار می‌گذارند». (رفیع‌پور، ۱۳۷۷، صص ۱۶۷-۱۶۶)

مطمئناً این چرخش هنجاری در بین جوانان نسبت به سایر طیف‌های سنی بیشتر است و در بین بانوان و قشر تحصیل‌کرده، به راحتی قابل رؤیت است. همچنین طی پژوهشی میدانی، این نتیجه به دست آمده که هر چه سطح تحصیلات زنان بالاتر می‌رود، گرایش آنها به حجاب کمتر می‌شود و هر چه سطح تحصیلات آنها کمتر باشد، گرایش بیشتری به حجاب دارند. (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶)

در بررسی علت این مطلب گفته شده است: «علت این مطلب می‌تواند به دلیل این باشد که فرهنگ حجاب در محیط‌های دانشگاهی ما به دلایل مختلفی چون مختلط بودن پسر و دختر و عدم حاکمیت نسبتاً کامل فرهنگ دینی در جو دانشگاه یا دلایل دیگر، تا حدودی از بین رفته است و در نتیجه، دانشگاهیان نگرش مثبت‌بالایی به حجاب ندارند تا بتوانند این نگرش را به فرزندان خود منتقل کنند». (همان)

اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین عامل این حجاب‌گریزی، عدم شناخت کافی جوانان تحصیل‌کرده ما با فلسفه حجاب است و این بدان معناست که عملکرد ما از نظر فرهنگی در ابعاد مختلف خانواده، محیط‌های آموزشی و جامعه، نامطلوب است. بنابر این، به این نتیجه می‌رسیم که وضعیت پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو با آرمان‌های دانشگاه اسلامی منطبق نیست. اما برای پیدا کردن راهکار ترویج پوشش اسلامی ابتدا باید پوشش دختران دانشجو مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد و علل حجاب‌گریزی آنان بررسی شود.

### آسیب‌شناسی پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو

یکی از مهم‌ترین مسائل بحث آسیب‌شناسی حجاب در بین جوانان، بررسی علل کم‌توجهی یا بی‌توجهی آنان به مقوله حجاب اسلامی است. هر چند در این خصوص، علل مختلفی قابل ذکر است، اما می‌توان شایع‌ترین آنها را به خصوص در بین دانشجویان بدین صورت برشمرد:

#### ۱. عوامل فرهنگی و اعتقادی

**الف) عدم شناخت کافی نسبت به فلسفه حجاب:** به یقین، مهم‌ترین علل حجاب‌گریزی در بین دانشجویان، ناآگاهی و بی‌اطلاعی آنان از فواید و آثار پوشیدگی و پیامدهای منفی عدم آن است. استاد مطهری علت تألیف کتاب «مسئله حجاب» را این گونه شرح می‌دهد:



«ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابه‌لای افکار و عقاید آنان باید جستجو کرد. فکر این نسل از منظر مذهبی آنچنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر، فوق‌العاده نیازمند است. اگر مشکلی در راهنمایی این نسل باشد، بیشتر در فهمیدن زبان و منطق او و روبه‌رو شدن با او با منطق و زبان خودش است و در این وقت است که هر کسی احساس می‌کند این نسل، بر خلاف آنچه ابتدا به نظر می‌رسد، لجوج نیست و آمادگی زیادی برای دریافت حقایق دینی دارد.» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۳)

**ب) ضعف ایمان:** یکی از اهرمهای کنترل فرد در پایبندی به اعتقادات دینی، ایمان اوست. اگر ایمان به روز واپسین و حقانیت گفته‌های رسولان و امامان (ع) در فرد وجود نداشته باشد، تقاضای رعایت حدود پوشش اسلامی، موضوعی بی‌معنا خواهد شد. در پژوهشی میدانی مشخص شده که یکی از علل رعایت نکردن دقیق حجاب اسلامی که درصد قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده است - ۸۳٪ - ضعف اعتقاد مذهبی می‌باشد. (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶)

**ج) تأثیرپذیری از فرهنگ غرب:** از مهم‌ترین موارد تأثیرگذاری جهان غرب اعم از آمریکا و اروپا بر سایر جوامع می‌توان به شورش بر ضد آداب و رسوم و سنن، شکاف بین نسلها و در نهایت، تغییر فرهنگ اشاره کرد. البته اگر به تمام این تأثیرات تمدن غرب، القائات فرهنگی مسموم آنان علیه مقوله حجاب که نشانه اسلام است از قبیل سخنان و نوشته‌های آنان در توصیف حجاب زنان مسلمان با واژه‌هایی چون: کفن، لباس مزور، حجب و حیای سیاه و نشانه ظلم علیه زنان را اضافه کنیم، می‌بینیم که جوانان ناآشنا با مبانی دینی چقدر زود دچار بی‌تفاوتی نسبت به فرهنگ ملی خود و از خودباختگی و توجه بیشتر به دیگر فرهنگها خواهند شد و از ارزشهای دینی فاصله خواهند گرفت.

## ۲. عوامل بیولوژیکی و روانی

عوامل بیولوژیکی و روانی، به زمینه‌های زیستی و خواسته‌های طبیعی فرد گفته می‌شود که معمولاً بین افراد مشترک است. از جمله زمینه‌های بیولوژیکی مرتبط با مقوله پوشش می‌توان از میل به خودنمایی، تبرج، تزین، تجمل، خودآرایی، تمایل شدید به جلب توجه دیگران به ویژه در دوره جوانی، به رخ کشیدن زیبایی‌ها، میل به برانگیختن احساسات مثبت دیگران، کسب آرامش و امنیت در پرتو تحسین و تمجید دیگران، لذت‌جویی، میل به تظاهرات جنسی و جلب جنس مخالف، نیاز به ابراز وجود و متمایز نشان دادن خود و امیال مشابه نام برد. (ممتاز، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷؛ ستوده، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱)

برخی روان‌شناسان مانند فروید، اریک فروم، پیاژه، کلبرگ و اریکسون، مراحل تکامل روانی انسان را به پنج مرحله گیرندگی غیر فعال، گیرندگی فعال، رشد عضلانی، تحرک و آغاز تشخیص هویت یا دوران نهان تناسلی و کمال هویت زنان یا مردان تقسیم کرده‌اند. بین دختران و پسران در سه مرحله اول تفاوتی وجود ندارد، اما با شروع مرحله چهارم، تفاوتها آغاز می‌شود. پسران معمولاً حالت تهاجمی، ستیزه‌جویی و نیز تمایل آشکار برای تسلط بر دیگران را از خود نشان می‌دهند و در نتیجه، به افرادی با خوی آمرانه و متمایل به تقلید از بزرگسالان تبدیل می‌شوند. اما به عکس در دختران حالت جذب و انقیاد و قدرت جلب توجه آشکار می‌شود و در نتیجه، علاقه به پوشیدن لباسهای زیبا، آرایش کردن، با عشوه سخن گفتن، با ناز قدم برداشتن و بروز حالات مادرانه در آنان بروز می‌یابد.

در مرحله پنجم که مرحله تکامل، بلوغ و تعیین هویت انسانی است، مردان صفت‌هایی مانند آرامش، پذیرش و صبر را به ویژگی‌های پیشین اضافه می‌کنند و به جای تسلط بر همه چیز و از جمله زنان، میل به تسلط بر زندگی و خانواده خود را دارند. زنان نیز به جای تمایل به جذب همه مردان و صرف وقت و نیروی حیات در این راه، تنها به یک مرد (نامزد، شوهر) توجه کرده و بقیه توانایی‌های جسمی و روحی خود را صرف سازندگی می‌کنند. لذا اگر دختران در سنین نوجوانی در جلوه‌گری و دلربایی افراط داشته باشند، رشد شخصیت در آنها متوقف می‌شود و به افرادی که همیشه اسیر جلب توجه دیگران هستند، تبدیل می‌شوند و نتیجه آن، اضطراب و نگرانی همیشگی خواهد بود. به عبارت دیگر؛ از مرحله چهارم نمی‌توانند وارد مرحله پنجم شوند. (رجبی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۴-۱۰۹)

### ۳. عوامل اجتماعی

الگوی پوشش و کیفیت لباس در هر جامعه، بیش از آنکه از شرایط اقلیمی، موقعیت تمدنی، اوضاع اقتصادی، نظام سیاسی، موقعیت سنی، جنسی و شغلی و خواسته‌های شخصی و زیباشناختی افراد تأثیر بپذیرد، تأثیرپذیر از ساختار باورها، ارزشها، هنجارها، ایدئولوژی‌ها، الگوها، آداب و عاداتها و سلیقه‌های گروهی است. یکی از علل مهم اجتماعی که بیشترین تأثیر را بر پوشش جوانان دارد، تأثیرپذیری از محیط است. منظور از محیط، تمام عوامل خارجی است که بر انسان از آغاز رشد - یعنی از لحظه‌ای که به صورت نطفه در رحم شکل می‌گیرد - تأثیر می‌گذارند. اما در بحث حاضر، محیط مورد نظر، محیطی است که در تعلیم و تربیت از آن بهره‌برداری می‌شود، مانند محیط خانواده، محیط‌های آموزشی و جامعه.

## راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو ❖ ۶۳

**الف) خانواده:** نوع پوشش از نظر مطابقت با عرف، فرهنگ و اعتقادات دینی، جزء آموزشهایی است که از دوران کودکی در فرد شکل می‌گیرد و هر چند در دوران نوجوانی و جوانی تحت تأثیر عوامل دیگری مانند دوستان و جامعه قرار می‌گیرد، اما می‌تواند به عنوان اصلی پذیرفته‌شده در فرد نهادینه شود تا کمتر مورد آسیبهای اجتماعی قرار گیرد.

در پژوهشی میدانی، ۸۹٪ از بانوان، تربیت خانوادگی را علت رعایت نکردن دقیق حجاب اسلامی توسط برخی بانوان دانسته بودند. در این پژوهش، این عامل به عنوان اصلی‌ترین انگیزه عدم رعایت دقیق حجاب اسلامی معرفی شد؛ زیرا بالاترین درصد را به خود اختصاص داده بود. (همان، ص ۱۶۶)

عوامل مختلفی در خانواده بر نوع نگرش فرد به حجاب اسلامی و عمل به آن تأثیر دارد؛ از جمله: وضعیت اقتصادی و رفاهی خانواده، وضعیت تحصیلی و فرهنگی، وضعیت مذهبی و شغل پدر و مادر. طبق تحقیقات به عمل آمده، نحوه تأثیر عوامل مذکور به شرح ذیل است:

- با افزایش درآمد و بهبود اقتصادی وضعیت خانواده، حجاب اسلامی در زنان ضعیف‌تر شده است.
- با افزایش تحصیلات پدر و مادر، نوع نگرش، انتظار و وضعیت پوشش اسلامی در آنان ضعیف‌تر شده است.
- هر چه سطح تحصیلات دانشگاهی پدر بالاتر، نگرش پدر و متقابلاً دختر به حجاب منفی‌تر و هر چه سطح تحصیلات حوزوی و دینی پدر بالاتر، نگرش پدر و دختر نسبت به حجاب مثبت‌تر است.
- والدین مذهبی‌تر، نگرش مثبت‌تر و والدین کم‌مذهبی‌تر یا غیر مذهبی‌تر، نگرش ضعیف‌تری به حجاب دارند.
- پدران کارمند و فرهنگی، نگرش بهتری به مقوله حجاب اسلامی داشته‌اند.
- فرزندان خانواده‌هایی که اختلاف خانوادگی دارند و روابط خوبی با والدین خود ندارند، کمتر حجاب اسلامی را رعایت می‌کنند.

- فرزندان مادران خانه‌دار نسبت به فرزندان مادران شاغل، نگرش مثبت‌تری به پوشش اسلامی دارند. (دفتر امور بانوان، ۱۳۸۴، صص ۲۹۳-۳۰۴)

بنابر این، همبستگی زیادی بین نگرش خانواده به مقوله حجاب و رعایت حجاب دختران دیده می‌شود.

**ب) محیط‌های آموزشی:** از آنجا که انسان، حیوانی مدنی است، همواره به دنبال یافتن دوست و ایجاد روابط دوستانه است. یکی از کانونهایی که فرد در روند تعلیم و تربیت با دوستان خویش ارتباط برقرار می‌کند و از آنها تأثیر می‌پذیرد، محیط‌های مختلف آموزشی است. این تأثیرپذیری‌ها هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی است. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، بین نوع پوشش فرد با دوستانش همبستگی زیادی وجود دارد. ۷۰٪ از دخترانی که صمیمی‌ترین دوستانشان دارای چادر بودند، همین پوشش را برگزیده بودند و ۷۳٪ از دخترانی که نزدیک‌ترین دوستانشان دارای روسری و مانتو و شلوار بودند، خود همین گونه بودند. (شرف‌الدین، ۱۳۸۶، ص ۱۵)

البته تنها عامل مؤثر در محیط‌های آموزشی بر فرد، دوستان و همسالان نیست، بلکه محتوای آموزشی و مربیان نیز در این تأثیرگذاری دخیلند.

**ج) جامعه:** هر چند ورود به جامعه از ابتدای دوران کودکی آغاز می‌شود، اما بیشترین تأثیرپذیری جامعه بر فرد، در دوران نوجوانی و سپس جوانی صورت می‌پذیرد. محیط پیرامون فرد - جامعه - در نوع نگرش مذهبی او تأثیرگذار است. به عنوان مثال، طی تحقیقی میدانی که آقای رجیبی با عنوان رابطه بین حجاب و سلامتی روانی بر دختران ساکن قم و تهران انجام داد، به این نتیجه رسید که دخترانی که ساکن قم هستند، نسبت به دختران تهرانی از نگرش مثبت‌تری به حجاب برخوردارند. وی می‌گوید: «این نتایج، نشان‌دهنده تأثیر محیط بر نگرش افراد است و چون شهر قم، بافت مذهبی‌تری در برابر شهر تهران دارد، نگرش زنان و دختران قمی به حجاب، مثبت‌تر از تهران است». (رجیبی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶)

از طرفی، برخی علت حجاب‌گریزی بعضی از جوانان را پدیده مخالفت با جامعه دانسته‌اند. برخی از انحرافهای اجتماعی مثل پدیده بی‌حجابی یا بدحجابی می‌تواند در اثر کاستی‌ها و ضعفهای این فرایند مانند القاهای محیط خانواده، دوستان، محیط‌های آموزشی، رسانه‌های جمعی و محیط عمومی باشد. در برخی اوقات هم فرد به دلایلی مانند ابراز وجود یا جلب توجه یا به بهانه‌های احقاق حقوق از دست رفته و شاید به دلیل تظاهر به ترقی اجتماعی، ساز مخالف زده و در مقابل همگونیهای اجتماعی قد علم کرده و به راه دیگری می‌رود. (شرف‌الدین، ۱۳۸۶، ص ۱۲)

#### ۴. عوامل سیاسی

داشتن حجاب اسلامی در دوره ما به عنوان یک نماد سیاسی توسط مسلمانان و غیر مسلمانان شناخته شده است. مسلمانان از آن به عنوان کارکرد و نماد انقلابی یاد می‌کنند و

غیر مسلمانان ترس و واهمه خود را از شیوع آن در جامعه‌شان ابراز می‌کنند. استعمارگران در طول تاریخ به صورتهای گوناگون کوشیده‌اند تا با فرهنگ حجاب مبارزه کنند. در این میان، کشورهای مثل انگلیس، فرانسه و آلمان، گوی سبقت را از سایرین در مبارزه با فرهنگ حجاب ربوده‌اند.

هنگامی که فردی به هر دلیل با موجودیت نظام حاکم مخالف باشد یا بخشی از عملکرد آن را نپسندد و از طرفی، نتواند به واکنشی ستیزه‌جویانه دست زند، مخالفت خود را در رفتارهای اجتماعی ظاهر می‌سازد. اگر حاکمیت سیاسی و اجتماعی با مذهب‌گرایان است، او سعی می‌کند هر چه را نشان مذهب دارد، از خود دور سازد و بر ضد آن موضع‌گیری کند. در پوشش بانوان نیز این پدیده راه یافته و امروزه گروهی از کم‌حجابان سعی دارند با بی‌توجهی به حجاب، به ارزشهای پذیرفته‌شده نزد مذهب‌گرایان حاکم بی‌اعتنایی کنند. در میان مردان نیز گاه فرد به همین انگیزه از پوشش کامل همسر یا دختر خود جلوگیری می‌کند و در حقیقت؛ برای اظهار مخالفت خود با طرز تفکری خاص، حیا را از ناموس خویش دور می‌دارد تا بدین وسیله، رنجش خود را از آن طرز تفکر التیام بخشد. (غلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸)

طبق تحقیقات به عمل آمده، ۶۶٪ از بانوان، یکی از علل رعایت نکردن کامل پوشش اسلامی را مخالفت با اجباری بودن آن اعلام کرده‌اند که رقم قابل توجهی است. (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶)

عده‌ای نیز به دلیل عدم مطالعه منابع دینی یا عدم شناخت نسبت به فلسفه حجاب، مقوله حجاب اسلامی را زائیده تخیلات علمای دینی می‌دانند و با رعایت نکردن آن، حتی به قیمت انجام یک رفتار نابهنجار در جامعه، سعی در مخالفت با حاکمیت سیاسی و دینی جامعه دارند (غلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۴). برخی نیز در یک نگاه جامعه‌شناختی، عوامل سیاسی ضعف حجاب در کشور را عملکرد نظام سیاسی کشور و سازمانهای فعال در مورد حجاب می‌دانند. بر اساس تحقیق میدانی در بین جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مشخص شده که هر چند ۷۲٪ جوانان از روحانیون رضایت دارند، اما ۲۸٪ از آنها اعلام ناراضی‌تی کرده‌اند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳). گرچه افراد ناراضی در اقلیت قرار دارند، اما همین میزان هم مدعا را اثبات می‌کند. در همین تحقیق، ۷۱٪ جوانان مراکز استانهای کشور نگرش مثبتی به کلیت حاکمیت و نظام دارند، اما ۲۹٪ از آنان چنین نگرشی را ندارند. (همان، ص ۱۳۲)

### راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دانشجویان

بخشهای علمی، فقهی و دینی فراوانی در مورد موضوع پوشش اسلامی در بین صاحب نظران صورت گرفته است. حتی در برخی از آثار به وجه علمی، روان شناختی و جامعه شناختی پوشش اسلامی پرداخته شده، اما در کمتر اثری، راهکارهای عملی چگونگی ترویج پوشش اسلامی در بین جوانان به خصوص در محیط دانشگاه مورد توجه قرار گرفته است. اگر هم بحثی دیده می شود به صورت خلاصه، جزئی و گذراست که قابل ملاحظه نیست. لذا در این پژوهش همت بر آن قرار گرفت تا با دقت بیشتری به این بحث پرداخته شود.

منظور از ترویج حجاب اسلامی در بین دانشجویان، فراهم سازی زمینه تحقق حجاب اسلامی در محیط دانشگاه و در بین دانشجویان دختر است.

نکته مهمی که باید در ابتدا مورد توجه قرار گیرد، آن است که راهکارهای حل بحران کم توجهی به موضوع پوشش اسلامی از دانشگاه آغاز نمی شود. دانشگاه ادامه تربیت فرد در خانواده و مدرسه است و حال آنکه شکاف جدی تربیتی بین مدرسه و دانشگاه را شاهد هستیم. دانشجویان ورودی دانشگاه، دوازده سال دانش آموز بوده اند و لذا خیلی دیر است که در دانشگاه، کار تربیتی بر روی آنان شروع شود. تربیت اسلامی یکی از وظایف همه نهادهای آموزشی است و بحثهای تربیتی در معنای جامع خود در نظام دانشگاهی به نتیجه می رسد. لذا باید تعامل و پیوستگی میان نظام تربیتی در قبل و بعد از دانشگاه وجود داشته باشد و گرنه جداسازی این نهادها از یکدیگر راه به جایی نخواهد برد.

بررسی عوامل مؤثر بر پدیده فردی و اجتماعی بدحجابی و بی حجابی نشان داد که عوامل در هم تنیده و مختلفی باعث این عارضه می شوند. بنابراین، به راحتی نمی توان راهکار یا راهکارهای واحدی را ارائه داد و منتظر ماند تا نتیجه مطلوب به دست آید، بلکه باید به این موضوع با دیدی همه جانبه نگریست و البته راهکارهای مکتوب را به همت متولیان امر و خود افراد از مرحله ایده به مرحله عمل درآورد.

این نوشتار، راهکارهای اشاعه پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو را به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم کرده است:

#### ۱. راهکارهای بیرونی

مقصود از راهکارهای بیرونی این است که با بسترسازی مناسب، شرایط باورپذیری نسبت به مطلوبیت پوشش اسلامی را در حد بالایی فراهم آورد و موازی با آن، از ایجاد زمینه هایی که بار

## راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو ۶۷

منفی دارد و می‌تواند عدم باور به مطلوبیت پوشش اسلامی را در پی داشته باشد، جلوگیری کرد. راهکارهای بیرونی به ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تقسیم می‌شوند.

### الف) بعد اجتماعی

بعد اجتماعی ناظر به عملکرد محیط‌هایی مانند خانواده، جامعه، مؤسسات آموزشی (مدارس)، دانشگاهها، نهادها، سازمانها و گروهها) و تعاملات اجتماعی است. در این بعد می‌توان بر راهکارهای ذیل تأمل کرد:

### تقویت باورهای دینی خانواده

همان گونه که در بحث آسیب‌شناسی پوشش اسلامی دختران در دانشگاه گذشت، همبستگی زیادی بین نگرش خانواده و نوع پوشش دختران وجود دارد. عوامل مختلفی در خانواده مانند وضعیت اقتصادی و رفاهی، وضعیت تحصیلی و فرهنگی، وضعیت مذهبی و شغلی والدین در نحوه پوشش دختران تأثیرگذار است. هر چه والدین، نگرش و اعتقاد مثبت‌تری به موضوع داشته باشند، فرزندان عاملان بهتری به این قضیه خواهند بود. در میان همه عوامل ذکر شده، رابطه تنگاتنگی میان پوشش مادر و فرزند وجود دارد؛ تا آنجا که بر اساس تحقیقات صورت گرفته، ۹۰/۷٪ دختران مادرانی که دارای پوشش روسری، مانتو و شلوار بودند، چنین پوششی داشتند و ۵۰/۷٪ فرزندان مادران چادری نیز پوششی مشابه داشته‌اند (شرف‌الدین، ۱۳۸۶). بنابراین، تقویت باورهای دینی خانواده‌ها مساوی با بالا رفتن باورهای دینی در فرزندان است.

### سالم‌سازی محیط‌های آموزشی

طی بررسی‌های کارشناسان، نظام آموزشی کشور دچار مشکلاتی است. یکی از این مشکلات، تأخیر در شروع کار تربیتی و گسست میان نظام آموزش و پرورش و سیستم آموزشی دانشگاه است. بنابراین، برای رسیدن به نظام جامع تربیتی دانشگاه اسلامی، نمی‌توان به صورت مقطعی از دانشگاه شروع کرد، بلکه این مسئله را باید در محیط‌هایی مثل خانواده و جامعه و حتی مرحله بعد از دانشگاه پیگیری کرد که دانشجو پیش و پس از دانشگاه با آنها در ارتباط است. این پیوستگی به صورت مداوم باید وجود داشته باشد. لذا باید به این نکته توجه جدی داشت و شکاف فرهنگی بین مدرسه و دانشگاه را در مسائل تربیتی برطرف کرد. از جمله عناصر محوری و مهم در باورپذیری

ارزشهای دینی در دانشگاه، عبارتند از: مریان، محتوای آموزشی، طرح نظریات جدید (نظریه‌های منطبق با شرایط زمان) و تکریم شخصیت متربی.

- مریان: یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر اندیشه‌ها، باورها و رفتارهای فرد، معلم است که در انتقال باورهای دینی و ارزشهای مقدس اسلامی، از او بسیار می‌توان کمک گرفت. اما در این راستا باید به دو نکته توجه داشت: نکته اول آنکه، زمانی معلم می‌تواند تأثیر مثبت بر نگرشهای متعلمان داشته باشد که ابتدا توانسته باشد خویش را با معیارهای انسان مطلوب سازگار سازد. پس اولین برنامه‌ای که باید برای تربیت دانشجویان در نظر گرفت، استفاده از استادان با تقوا، پرهیزگار، پاک، مقید، منظم و با علم و دانش است. نکته دوم آنکه، در انتقال باورهای دینی، استادان غیر معارفی بسیار موفق‌ترند. به عبارت دیگر؛ درسهای غیر مستقیم دینی در انتقال ایمان به فکر و دل دانشجو و دانش‌آموز میسرتر و طبیعی‌تر است تا درسهایی که منحصرأ برای معارف دینی است.

تأثیرگذاری مربی بر متربی در همه زمینه‌های دینی صادق است، اما در مورد موضوع خاص بحث ما نیز در مشاهدات تجربی و پژوهشهای میدانی، همبستگی پوشش معلم با گرایش متعلم به حجاب به اثبات رسیده است. (دفتر امور بانوان، ۱۳۸۴، ص ۳۰۳)

- محتوای آموزشی: محتوای آموزشی دروس در مقطع آموزش و پرورش و دانشگاه تا حد زیادی به تثبیت اعتقادات دینی و باورهای اسلامی کمک می‌کند. در هر دو نظام آموزشی، دروس معارفی وجود دارد؛ اما با توجه به نیازهای وسیع جوانان، به نظر می‌رسد جای خیلی از مباحث هنوز خالی است. در پژوهشی مشخص شده که ۶۵٪ از جوانان از محتوای آموزشی مدارس در زمینه تقویت هویت دینی احساس نارضایتی کرده‌اند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ص ۵۲۵). این آمار در سطح مؤسسات آموزش عالی به ۶۸٪ می‌رسد (همان، ص ۵۲۷). بنابر این، برای رشد جامعه و جوانان به سمت ارزشهای دینی، ساماندهی محتوای آموزش ضروری است. آموزش و محتوای غنی می‌تواند رفتارها را در جهت نگرش درست، دگرگون سازد.

- طرح نظریات جدید آموزشی: در عرصه تعلیم و تربیت نظریات زیادی از گذشته موجود است. برخی از نظریات تربیتی مربوط به متفکران مسلمان و بعضی مربوط به متفکران غربی است. اما نکته قابل توجه آن است که با توجه به تغییرات گسترده در زمانهای مختلف باید نظریه‌پردازی متناسب با فضای فکری و عملی آن روز صورت



گیرد. نسخه برداری از نظریات گذشتگان و تجویز آن برای عصر حاضر، صحیح نیست. لذا اگر به دنبال پیشگیری و برطرف کردن معضلات هستیم، باید قدرت پویایی خود را حفظ کنیم. در عرصه پذیرش پوشش اسلامی و برتر دانستن آن، هر چند کارهای زیادی توسط متفکران جامعه صورت گرفته، اما تأثیر زیادی در بهبود شرایط نداشته است. بنابر این، لزوم انجام کارهای زیربنایی تری از سوی صاحب نظران و متفکران احساس می شود. -تکریم شخصیت متربی: معمولاً دیده می شود افراد متدین و مذهبی جامعه با مشاهده بانوان بدحجاب، برخوردهای تلخ و گزنده می کنند. شواهد و قراین حاکی از آن است که این گونه برخوردها نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه مزید بر علت شده و در آنان نوعی شریعت گریزی ایجاد می کند. ۵۸٪ از جوانان معتقدند که روابط معلم و شاگرد و فضای حاکم بر کلاسهای درس همراه با سختگیری و فشار بوده است (همان). اصولاً یکی از روشهای تربیت اخلاقی در اسلام، تکریم شخصیت است؛ یعنی انجام دادن اموری که به باور ارزشمند بودن خود یا متربی بینجامد. تحقیر کردن، برچسب زدن و...، نه تنها نتیجه ای عاید نمی کند، بلکه آتش لجبازی را فروزان تر می سازد. بنابر این، برخوردهای کارشناسانه با موضوع، بازخورد بهتری دارد. کما اینکه همه هویت دینی یک زن را حجاب اسلامی او تشکیل نمی دهد. اصرار بیش از اندازه روی پوشش بانوان چه بسا آنان را از سایر واجبات به دلیل دلخوری باز دارد. پس باید از تعالیم اسلامی، مشوری به متربی ارائه داد که یکی از اضلاع آن رعایت حدود و پوشش در مقابل نامحرم است.

### الگوسازی

مهم ترین نوع یادگیری در انسان، یادگیری مشاهده ای یا همان تقلید و سرمشق گیری است. از زمانی که انسان قدرت درک پیدا می کند و در تعامل با محیط اجتماعی قرار می گیرد، مایل به الگوبرداری و همانند سازی با افراد مورد علاقه اش است. در دین اسلام هم متابعت از اسوه و الگوی حسنه مورد تأکید قرار گرفته است. البته میان الگو و اسوه تفاوت وجود دارد. در ادبیات قرآنی به طور مشخص از واژه «اسوه» به معنای مقتدا و قدوه استفاده شده است. اسوه در مفهوم قرآنی به شخصی اطلاق می شود که در عمل، حالات، سلوک و روش، مورد اقتدا و تبعیت قرار می گیرد و هدف از این پیروی، اصلاح و بهبود شخصیت فردی و اجتماعی است. (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۷۹)

شخصیتهای آرمانی مانند معصومین(ع) نمونه‌هایی از اسوه حسنه از نظر قرآن و روایات هستند. در بحث مورد نظر نیز چه شخصیتهایی بزرگوارتر از اولیای دین که تمسک به گفتار و کردار آنها می‌تواند زن را به پوشش مطلوب و برتر برساند.

البته طرح پیروی از اسوه و شخصیتهای آرمانی به عنوان الگوی مطلوب زنان، لازم اما ناکافی است. «کمال چنین امری به ترسیم ترکیب مطلوب از فعالیت زنان در جامعه حاضر و در هر عصر، متناسب با همان زمان می‌باشد که یک فرد به تنهایی قادر به اجرای همه آنها نیست. به عبارت دیگر؛ سعی در تبیین این معنا شود که مجموعه فعالیت‌هایی که عموم زنان در هر عصر به انجام می‌رسانند، با الگوی شخصیتی حضرت فاطمه زهرا(س) یا حضرت زینب(س) قابل تطبیق است. به عبارت ساده‌تر؛ مبتنی بر شخصیتهای آرمانی، جامعه‌ای آرمانی تعریف شود تا با درک صحیح از شرایط زمانه، نیل به چنین مطلوبی فراهم آید». (پیروزمند، ۱۳۸۰، ص ۹۸)

پس در هر عصری بنا بر مقتضیات همان زمان و مکان می‌توان الگوی برتر زنده را در اختیار متری قرار داد و به او معرفی کرد تا بدین وسیله خلأ ذهنی و روانی خود را پر کرده، به نتیجه مطلوب دست یابد. در زمینه پوشش اسلامی هم می‌توان نمونه‌های موفق و برتری که بدون هیچ محدودیتی توانسته‌اند مدارج بالای علمی را طی کنند، معرفی کرد تا جوانها در ذهن خود بین پیشرفت و پوشش اسلامی تقابلی نبینند. به عنوان مثال بر اساس تحقیقی میدانی، ۲۷/۵٪ از جوانان، هنرمندان را مهم‌ترین چهره مورد علاقه خود معرفی کرده‌اند. پس از آن، قهرمانان ورزشی (۲۶/۵٪) و دانشمندان و فرهیختگان (۲۱٪) جای دارند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ص ۳۸). علاقه‌مندی نوجوانان و جوانان به چهره‌های ویژه اجتماعی از این جهت حائز اهمیت است که بینیم آنان از کدام دسته از شخصیتهای مشهور در جامعه الگوبرداری می‌کنند و چه نوع شخصیتهایی را از نوع آرمانی برای خود می‌بینند. به طور حتم اگر از همین طیف افرادی که دارای پوششی معقول بوده و در عرصه‌های مختلف موفقند، معرفی شوند، بیشترین تأثیرگذاری را بر افراد خواهند داشت.

### ب) بعد فرهنگی

مؤثرترین راه برای ایجاد یا تغییر ایده یا عقیده در انسان، کار فرهنگی است. بالا بودن فرهنگ یک جامعه بیانگر توسعه‌یافتگی آن جامعه است. لذا صرف هزینه و زمان برای انجام امور فرهنگی، تقویت زیربنای یک جامعه محسوب می‌شود.

اما پاسخ به این پرسش که امروزه جامعه فرهنگی ما در بحث اقبال یا ادبار نسبت به پوشش

اسلامی در بین بانوان در چه وضعیتی قرار دارد، این است که جامعه ما هم مانند برخی کشورهای دیگر در رویارویی میان سنت و مدرنیته، دگرگونی‌های فرهنگی را تجربه می‌کند که ملموس‌ترین نمود این آشفتگی فرهنگی را در تظاهر رفتاری جوانها می‌توان مشاهده کرد که یکی از آن موارد، انتخاب نوع پوشش آنهاست که با دستورات شرع اسلام منافات دارد. لذا به نظر می‌رسد مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی ایجاد، تقویت و گسترش پوشش اسلامی در بین بانوان عبارت باشند از:

### ایجاد شناخت و آگاهی در بانوان نسبت به فلسفه حجاب

هر چند ایمان‌گرایی در انسان خواه ناخواه او را به سمت انجام تکلیف و مسئولیت‌های دینی هدایت می‌کند، اما یکی از پایه‌های ایمان دینی در افراد، داشتن شناخت و آگاهی است. در بحث پوشش اسلامی اگر زنان مسلمان با فواید فلسفه وضع این قانون الهی از منظرهای مختلف دینی، عقلی، علمی و روانی آشنا شوند، حتی اگر مقید به رعایت کردن آن نباشند، احتمال تغییر رفتار در آینده وجود دارد. بنابر این، یکی از وظایف مربیان و مبلغان دینی آن است که زنان جامعه اسلامی را با فلسفه حجاب آشنا سازند و در بحث‌های خود با توجه به فضای کنونی جهان، بر مباحث عقلی و علمی تکیه بیشتری داشته باشند.

یکی از راه‌ای ارتقای بینش افراد نسبت به حجاب، معرفی کتبی است که در این زمینه به نگارش درآمده یا آشنایی آنان با نرم‌افزارهایی که شناخت آنها را نسبت به این مسئله بالاتر می‌برد. به هر حال دادن آگاهی و شناخت به افراد در هر زمینه دینی، از جمله حجاب، کاری دفعی و آنی نیست؛ بلکه عملی تدریجی است. حتی پیامبر اکرم (ص) هم در حدود سال پنجم تا هشتم هجری به ذکر این مطلب می‌پردازند؛ یعنی ابتدا زمینه‌سازی‌های اعتقادی و اخلاقی را در مسلمانان ایجاد می‌کنند و سپس اقدام به الزام پوشش برای زنان می‌نمایند. پس در خصوص ترویج حجاب اسلامی باید به این نکته توجه جدی داشت.

### آگاهی بخشی به جامعه به خصوص بانوان نسبت به پیامدهای منفی بدحجابی

توجه نکردن به آثار و کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب و کارکردهای منفی رعایت نکردن آن، نقش بسیار مهمی در سرپیچی از آن دارد. بنابر این، تنویر اذهان عموم مردم به خصوص بانوان مسلمان نسبت به پیامدهای جبران‌ناپذیر بی‌حجابی می‌تواند به آگاهی افراد غیر مقید به انجام این واجب الهی منجر شود.

### هدایت تمایل بانوان به تبرّج و تنوّع خواهی

دو میل ظاهراً متعارض؛ یعنی میل به پاکدامنی و میل به تبرّج، خودآرایی و تنوّع خواهی در پوشش در زنان وجود دارد. اما با تأمل می‌توان دریافت که با هدایت درست این امیال، بدین صورت که میل به عفت در جامعه و تمایل به تبرّج و تنوّع خواهی در پوشش در کانون خانواده ارضا شود، می‌توان این تعارض ظاهری را برطرف ساخت.

به هر حال باید پذیرفت که میل به مدگرایی و تنوّع خواهی در بین جوانان وجود دارد. بنابر این، اگر این حالت روانی که در دوران جوانی به اوج خود می‌رسد و در دوره میانسالی تا حد زیادی افول می‌کند، با اصل پوشش برخورد نداشته باشد، استفاده از آن به شکل مقطعی جهت پذیرش اصل حجاب در بین جوانان مشکلی ندارد، بلکه می‌تواند زمینه مناسبی برای پذیرش حجاب کامل در فرد باشد.

### ترویج روحیه عفاف و حیا در بانوان

ترویج فرهنگ عفاف و حیا در جامعه می‌تواند بانوان را به سمت پوشش مناسب سوق دهد؛ هر چند این دو، صد درصد لازم و ملزوم یکدیگر نیستند، بلکه چه بسا فردی واقعاً پاکدامن باشد، اما به دلایل مختلف دارای پوشش مناسب شرعی نباشد و البته عکس قضیه نیز صادق است. اما مسلماً رعایت عفاف و حیا در فرد می‌تواند او را به سمت حفظ ارزشهای دینی و از جمله پوشش اسلامی سوق دهد.

### پررنگ کردن نقش رسانه‌های جمعی در ترویج حجاب اسلامی

قدرت رسانه در جهان بر کسی پوشیده نیست. رسانه‌ها می‌توانند به افراد جهت فکری ببخشند، الگو تعیین کنند یا حتی یک روش را به مردم برای رسیدن به سعادت معرفی کنند. رسانه حتی می‌تواند فرهنگ سنتی یک قوم را از بین ببرد و فرهنگ خودساخته‌ای را جایگزین کند. بسیاری از کشورها از طریق رسانه‌ها و هنر، سعی در ضربه زدن به ارزشهای اسلامی از جمله پوشش دینی زنان دارند. تبلیغ سکس و برهنگی و ترویج مدگرایی افراطی، یکی از راههای ضربه زدن دشمنان به دین اسلام است. بنابر این، یکی از راههای دفاع از حفظ ارزشهای دینی، استفاده درست از رسانه‌های جمعی در جهت تبلیغ آنهاست. کارهای فرهنگی در این زمینه می‌تواند به مراتب

### راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو ❖ ۷۳

تأثیرگذارتر از وعظ و خطابه باشد و می‌توان از این فرصت جهت تبلیغ و ترویج پوشش اسلامی در سطح جامعه، کمال استفاده را برد.

برای رسیدن به این مطلوب باید رسانه‌های جمعی را با نگاهی کارشناسانه آسیب‌شناسی کرد و درصدد اصلاح عملکرد آنها برآمد. نباید فراموش کرد که جهان امروز، دنیای رقابت است؛ پس نمی‌توان افکار عموم مردم را از امواج سهمگین و پرشتاب رسانه‌ها مصون نگاه داشت، بلکه باید سیاستی اتخاذ کرد که به وسیله آن در این میدان رقابت، گوی سبقت را متولیان ترویج ارزشهای اسلامی برمایند.

#### اظهار واقعیات دینی در خصوص مسائل زنان به خصوص حجاب

یکی از عوامل کجروی برخی زنان از پوشش اسلامی، وجود تفسیرهای مضیق از ممنوعیتهای شرعی است. این تفسیرها یا به جهت احتیاط از سوی فقهای بزرگوار صادر شده یا از ترس اینکه مبادا زنان به حداقلها هم عمل نکنند، حداکثرهای دین در خصوص پوشش اسلامی بیان شده است. شهید مطهری نیز فلسفه کتمان حقایق را توسط فقها درست نمی‌داند و معتقد است این مصلحت‌اندیشی، صحیح و عاقلانه نیست. ایشان از قول بعضی از کارشناسان اجتماعی، علت افراط‌ها و بی‌بند و باری‌ها را در این نکته می‌داند که حقایق گفته نشده است. (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۵۵)

#### تصحیح نگرشها نسبت به مقوله زن

بر هیچ کس پوشیده نیست که تاریخ، مؤید تبعیضها و محرومیت‌های بسیاری علیه زنان بوده است. از برخی افکار اندیشمندان و دانشمندان گرفته تا عرف و آداب و رسوم مردم در گذشته، این موضوع را تأیید می‌کند. بعد از مدتها افراط علیه زنان، در غرب زنان دست به اعتراض زده و جنبش دفاع از حقوق زنان را به نام فمینیسم تشکیل دادند. اما با ایجاد این مکتب و ادامه آن، برخی مشکلات زنان مرتفع و مشکلات حادث‌تری گریبان آنان را گرفت. هنوز هم در برخی فرهنگها، تبعیضها و اجحافهایی در مورد زنان وجود دارد که اصلاح ساختار فرهنگی را می‌طلبد. جای تأسف دارد که ۳۶٪ جوانان مراکز استانهای کشور تصور می‌کنند که «در جوامع غربی به زن بها داده می‌شود و حرمت و شأن واقعی زنان در آن کشورها رعایت می‌شود». (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶)

بنابراین، جهت تغییر این نگرشها باید حرکت فراگیر فرهنگی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی صورت گیرد. با اصلاح این نگرشهاست که دیگر دلیلی برای مخالفت با

ارزشها برای بانوان باقی نمی ماند و می توان امیدوار بود که فرد به قصد مخالفت، از ارزشهای دینی از جمله حجاب روی بر نمی تابد.

### ج) بعد سیاسی و نظارتی

راهکارهایی که در بعد سیاسی در ترویج پوشش اسلامی در بین بانوان فرهیخته دانشگاهی می تواند مؤثر باشد، به عملکرد نظام سیاسی کشور و سازمانهای فعال در مورد حجاب بازمی گردد. برخی از عملکردها بعد فرهنگی، بعضی بعد نظارتی یا انتظامی دارند. توجه به هر سه بعد و هماهنگی بین آنها توسط دولتمردان و سیاستمداران، می تواند بازخورد مناسبی در ترویج پوشش اسلامی به خصوص در سطح جامعه داشته باشد. دولت، حوزه های علمی، جامعه کارشناسی و نهادهای زنان، مهم ترین مجموعه هایی هستند که در سطح جامعه می توانند با برنامه ای هماهنگ، بیشترین نقش را در ترویج فرهنگ حجاب داشته باشند.

از طرف دیگر یکی از وظایف هر جامعه، کنترل اجتماعی است. بر اساس این نظریه، جامعه هر قدر در فرایند جامعه پذیری و شکل گیری شخصیت افراد دقت به خرج دهد و نصاب تربیتی و اخلاقی و انضباط اجتماعی بالایی را در نظر داشته باشد، از طراحی و اعمال ساختارهای نظارتی و کنترل دقیق، اعم از رسمی و غیر رسمی، گریزی نخواهد داشت؛ زیرا در هر جامعه همواره افراد ناسازگار و متخلف وجود دارند که می خواهند سرپیچی کنند. ضعف جامعه در این مورد می تواند افراد متمایل به انحراف را جسور سازد و به وادی انحراف بکشاند. بی شک، بخشی از رفتار انحرافی بدحجابی و بی حجابی در جامعه ما، در کاستی های موجود در ساز و کارهای نظارتی ریشه دارد. برای کنترل جامعه و جلوگیری از انحرافها و آشفتنگی ها، عوامل زیادی لازمند که یکی از آنها، سیستم کنترل و مجازات است؛ بدین معنا که اعضای جامعه باید مطمئن باشند که در صورت تخلف از قوانین و مقررات، به گونه ای سنگین مجازات می شوند و دست زدن به کار خلاف، بر اساس نظریه گزینش عقلانی، مقرون به صرفه نیست. (شرف الدین، ۱۳۸۶، ص ۱۳)

البته برخورد قهریه با مسئله بدحجابی یا بی حجابی، آخرین راه حل است. تا در این زمینه کارهای فرهنگی زیربنایی و روبنایی صورت نپذیرد، برخوردهای انتظامی جز بازخورد منفی در جامعه چیزی دیگر را به دنبال نخواهد داشت. هر چند عده ای معتقدند که برخوردهای مقطعی می تواند در بازگشت انسان به فطرت سلیمش مؤثر باشد، اما آنچه در این برخوردها به نظر می رسد این است که برخورد نه به خاطر صرف ارتکاب گناه بی حجابی، بلکه به خاطر تعدی به حقوق عمومی جامعه است.

آنچه توجه به آن در سیستم دانشگاهی مهم به نظر می‌رسد این است که رؤسای دانشگاهها و مسئولان امور فرهنگی دانشجویان، باید سیستمی را تعریف کنند که در آن، فضای علمی مد نظر باشد. لذا اگر دانشجویی بخواهد با ظاهری نامتناسب در فضای دانشگاه حاضر شود، باید عواقب انحراف از موازین قانونی دانشگاه را بپردازد و با رفتار انحرافی او به دلیل عدم رعایت شئونات دانشگاهی برخورد شود؛ وگرنه تسامح و تساهل در مقیاس بالا هیچ نتیجه‌ای جز افزایش بی‌اعتنایی به ضوابط نخواهد داشت.

## ۲. راهکارهای درونی

بدیهی است برای ترویج فرهنگ حجاب اسلامی در هر موقعیت مکانی از جمله دانشگاه، در کنار شرایط مساعد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای ارزشگذاری و الگوپذیری این فرهنگ، نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد می‌باشیم. مهم‌ترین راهکارهای درونی ساختن اعتقاد به پوشش اسلامی در همه افراد به خصوص بانوان مسلمان و دانشگاهی عبارتند از:

### الف) پرورش نیروی عقلانی فرد

مهم‌ترین نقش در پذیرش یک فرهنگ یا عقیده از آن خود فرد است. بنابر این، یکی از کارهای مهمی که فرد باید جهت دریافت فرهنگ یا عقیده مطلوب انجام دهد، پرورش نیروی عقلانی و بالا بردن سطح شناخت و آگاهی خود است. برای به دست آوردن گوهری گرانبها نمی‌توان همیشه منتظر ماند تا دیگران آن را به انسان دهند، بلکه خود فرد باید همتی به خرج دهد و به جستجوی آن شیء باارزش بپردازد. نه تنها در مقوله حجاب اسلامی، بلکه در هر زمینه‌ای اگر آدمی نیروی تعقل خود را بالا ببرد، کمتر به بیراهه خواهد رفت و فرصت ارزشمند زندگی را از دست نخواهد داد. لذا اگر انسان به پرورش بُعد شناختی خود بپردازد، از آفات کجروی از ارزشهای دینی در امان خواهد بود.

### ب) ایمان‌گرایی

پذیرش دین و ایمان‌گرایی، بزرگ‌ترین اهرم کنترل انسانی در جلوگیری از انجام افعال حرام و گناه است. حتی بعضی معتقدند تنها راهکار ترویج حجاب اسلامی در جامعه، تقویت ایمان‌گرایی

است و سایر راهکارها را مقطعی می‌دانند. فرد بعد از پذیرش انجام اعمال خواسته شده از او توسط دین، با یقین قلبی گرایش به آن اعمال داشته و در ادای آنها حتی به خود شک راه نمی‌دهد. از شیوه‌های پرورش ایمان در همه معارف دینی، می‌توان به عبادت، ذکر، نیایش و محبت به اولیای الهی اشاره کرد. تجربه ثابت کرده که هر چه روحیه دینی در بین افراد بالاتر رفته و تقویت شود، پایبندی به ارزشهای دینی نیز در بین آنها افزایش پیدا می‌کند.

### ج) پذیرش مسئولیت

متأسفانه انسانهای گناهکار، کجرو یا منحرف برای اینکه خود را در انجام اعمال ناشایست خویش مقصر ندانند و از عذاب وجدان و بار اجتماعی قضیه خلاصی یابند، گناه فعل خود را به گردن دیگران می‌اندازند؛ در صورتی که اگر ما بپذیریم واقعاً همه عوامل کوتاهی کرده و زمینه‌ساز انجام آن فعل ناشایست مثل بدحجابی شده‌اند، هیچ کس نمی‌تواند بار آن عمل نادرست را از عهده فرد بردارد؛ زیرا در کنار همه این مسائل، خداوند به انسان نیروی تعقل عنایت کرده که با استفاده از آن می‌تواند تفاوت خوب و بد را درک کرده، مسیر درست را انتخاب کند. متأسفانه در یافته‌ای پژوهشی، بالاترین ویژگی منفی جوانان با ۳۱/۳٪ مربوط به روحیه سرکشی بوده است. (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ص ۵۹)

### د) آماده‌سازی فرد جهت رویارویی با دنیای متجدد

یکی از اساسی‌ترین علل تضعیف حجاب اسلامی در جوامع مختلف به ویژه جامعه اسلامی، تلاقی فرد با مدرنیته و قرار گرفتن در فضای برزخی سنت و مدرنیته است. متأسفانه برخی می‌پندارند اگر بخواهند با پیشرفتهای زمان حرکت کنند، باید همه آثار جهان غرب را بپذیرند و یکی از آثار، نوع پوشش آنان است. بر اساس پژوهشی در این زمینه، متأسفانه فمینیسم به عنوان یکی از نمادهای غربزدگی، ۴۰٪ در بین جوانان پذیرش دارد (همان، ص ۱۳۲). به نظر می‌رسد اگر فرد مطالعه دقیقی در جوانب مختلف این موضوع داشته باشد و خود را آماده رویارویی با فضای جدید ببیند، هرگز مظاهر منفی جهان متجدد را با پیشرفتهای واقعی یکی نمی‌بیند. بنابر این، هر چند مقاومت در مقابل جاذبه‌های بسیار نیرومند شیوه زندگی جدید برای همه بسیار دشوار است، اما فرد باید بیاموزد در مقابل بسیاری از جنبه‌های زندگی جدید، مقاومت کند و تسلیم مشیت الهی شود.



#### ه) تعدیل غرایز

علت اصلی وضع حجاب، جلوگیری از شیوع فحشا و فساد در جامعه و کنترل غریزه شهوت آدمی است. مسلماً هیچ کدام از غرایزی که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده، پوچ و عبث نیست و باید در مسیر صحیح خود ارضا شود. یکی از این تمایلات، وجود غریزه جنسی است که راه ارضای آن در قالب مشروع همسرگزینی است. البته ازدواج کاملاً از فساد و فحشا جلوگیری نمی‌کند اما میزان آن را به مقدار چشمگیری کاهش می‌دهد. بنابر این، یکی از وظایف حکومت اسلامی، آسان‌سازی ازدواج و فراهم کردن امکانات آن است که البته خود افراد هم می‌توانند با کنار گذاشتن برخی انتظارات، راه را برای ازدواج آسان هموار سازند. بر اساس یافته‌های پژوهشی در این خصوص، متأسفانه بیش از نیمی از نوجوانان و جوانان، گرفتار فشارها و آزارهای روانی ناشی از رفتارهای جنسی خود و سه چهارم از این جمعیت عظیم، از نظر ارضای غریزه جنسی خود دچار مشکل هستند (همان، ص ۵۱۹). مسلماً اگر آسان‌سازی‌هایی به صورت شرعی در این زمینه صورت پذیرد، خیلی از ارزشهای دینی رشد و تقویت پیدا خواهد کرد.

#### و) دقت در دوست‌گزینی

یکی از عوامل تأثیرگذار رفتاری بر فرد، دوستان و همسالان اویند. آنها در همه زمینه‌ها حتی در نوع پوشش هم بر افراد تأثیر می‌گذارند. بر اساس پژوهشهای انجام شده، بین نوع پوشش فرد با دوستان همبستگی زیادی وجود دارد. ۷۰٪ از دخترانی که صمیمی‌ترین دوستانشان دارای چادر بودند، چنین پوششی را برگزیده بودند و ۷۳٪ از دخترانی که نزدیک‌ترین دوستانشان دارای روسری و مانتو و شلوار بودند، خود همین گونه بودند. (همان، ص ۱۵)

توجه به آمار فوق نشان می‌دهد میزان همبستگی نوع پوشش دختران با دوستانشان بیشتر از همبستگی پوشش دختران با مادرانشان است (۷/۵۰٪ فرزندان مادران چادری، پوشش مشابه داشته‌اند). (همان)

«ماترلندو کرسی» در توضیح نظریه یادگیری کجروی چنین می‌گوید:

«کجروی در ضمن کنش متقابل فرد با دیگران و در جریان ارتباطات صمیمانه در درون گروه آموخته می‌شود. این یادگیری شامل تکنیک ارتکاب، گرایشها، جهت‌گیریها، انگیزه‌ها و توجیه رفتار می‌گردد. جهت‌گیری خاص انگیزه‌ها و گرایشها، از طریق تعاریف موافق یا مخالف قواعد قانونی انجام می‌گیرد. گروهی که فرد را احاطه

کرده‌اند، یا همگی معتقد به رعایت قوانین‌اند یا همگی موافق قانون شکنی‌اند. فرد در صورتی به کجروی سوق می‌یابد که در فرایند معاشرت خود با دیگران، بیشتر در معرض تعاریف موافق قانون شکنی باشد... بالطبع هر چه معاشرت فرد با کجروان از نظر فراوانی دفعات وقوع، مدت، ارجحیت و شدت، میزان درگیری عاطفی، تناسب با الگوهای تجربه شده و... بیشتر باشد، این اثرپذیری بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود». (همان، ص ۲۰)

آیات و روایات و حتی ادبیات نیز بر شدت تأثیرگذاری رفتار دوستان بر انسان شهادت می‌دهند؛ به عنوان مثال:

- «و روزی که ستمکار دو دستش را به دندان می‌گزد و می‌گوید کاش با راهنمایی رسول راهی انتخاب کرده بودم. ای کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم». (فرقان، آیه ۳۰-۲۹)

- رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «سعادت‌مندترین مردم کسی است که با مردمی بزرگوار مخالفت و آمیزش و معاشرت داشته باشد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۵۱)

- عدی بن زیاد نیز در این زمینه چنین می‌سراید:

«عن المرء لا تسئل و سل عن قرینه فکل قرین بالمقارن یفتدی  
اذا كنت فی قوم فصاحب خیارهم و لا تصحب الاری فتردی مع الردی»

از شخص راجع به شخصیت او سؤال نکن، بلکه در این باره از شخصیت قرین، دوست و همنشین او بپرس؛ زیرا هر همنشینی از همنشین خود پیروی می‌کند. وقتی در میان گروهی به سر می‌بری، با افراد برگزیده مصاحبت کن و با افراد پست همنشین مباش؛ زیرا با همنشینی با افراد پست، پست می‌گردد. (حجتی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵)

بنابر این، با توجه به اهمیت بحث معاشرت با دوستان، هم بر خود افراد لازم است در گزینش و مصاحبت با دوستان دقت عمل به خرج دهند و هم یکی از وظایف والدین و مربیان است که فرزندان و متعلمین خود را به سمت دوستی با افراد صالح هدایت کرده، آنان را از دوستی با افراد ناشایست دور سازند.

### نتیجه‌گیری

یکی از شرایط رسیدن به دانشگاه اسلامی در جامعه اسلامی، رعایت ارزشهای دینی در همه ابعاد علمی، رفتاری و اخلاقی است و یکی از تأثیرگذارترین این ارزشها، رعایت پوشش مناسب دینی

#### راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو ❖ ۷۹

در بین همهٔ دانشجویان به خصوص دختران است. بنابر این، برای رسیدن به این مهم باید کارهای عظیم فرهنگی صورت پذیرد و پس از آسیب‌شناسی پوشش بانوان در سطح جامعه و دانشگاه، به ارائهٔ راهکار در این خصوص پرداخت. البته مسلماً زمانی این راهکارها عملی خواهد شد که مورد مطالعه و توجه استادان اهل فن، کارشناسان، دانشجویان و مسئولان دست‌اندرکار قرار گیرد. اما بدون تردید، این کار فرهنگی است که در رسیدن به جامعهٔ آرمانی اسلامی و تغییر و تثبیت نگرشها و رفتارها، حرف اول را می‌زند. پس نمی‌توان به این مقولهٔ مهم بی‌توجه ماند.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین (۱۴۱۰ق)؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۰)؛ «بررسی تحلیل الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان (اولویتها و رویکردها)، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۶. حجتی، محمدباقر (۱۳۸۰)؛ اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ نوزدهم.
۷. حسینی بوشهری، سید مصطفی (۱۳۸۵)؛ معارف و معاریف، تهران، آرایه.
۸. دفتر امور بانوان (۱۳۸۴)؛ زن و پژوهش، تهران، دفتر امور بانوان وزارت کشور.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)؛ لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، چ دوم.
۱۰. دهقانی، محسن (۱۳۸۶)؛ منطق کرامت زن، قم، شهاب‌الدین.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲)؛ المفردات، قم، المکتبه المرتضوی، چ دوم.
۱۲. رجبی، عباس (۱۳۸۷)؛ حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ چهارم.
۱۳. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)؛ توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۴. زرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله (ق ۱۴۲۶)؛ البرهان فی علوم القرآن، لبنان، دار الفکر.
۱۵. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱)؛ وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران، تهران، روناس.
۱۶. سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵)؛ الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چ دوم.
۱۷. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۸)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نو.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبد‌الرحمن (۱۴۲۴ق)؛ الاتقان، لبنان، دار الکتب العربی.
۱۹. شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۶)؛ «ریشه‌یابی جامعه‌شناختی بی‌حجابی»، فصلنامه فقه نو، سال چهاردهم، ش ۵۲-۵۱ (بهار و تابستان).

۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)؛ **المیزان**، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. عمید، حسن (۱۳۷۴)؛ **فرهنگ عمید**، تهران، امیرکبیر.
۲۲. غلامی، یوسف (۱۳۷۸)؛ **اخلاق و رفتارهای جنسی**، قم، نشر معارف اسلامی، چ چهارم.
۲۳. لوی، آریل و تیم کسر (۱۳۸۸)؛ **تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب**، ترجمه فاطمه السادات رضوی و همکاران، قم، نشر معارف.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ **بحار الانوار**، بیروت، دار الأحياء التراث العربی، چ سوم.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)؛ **مسئله حجاب**، تهران، صدرا، چ چهل و یکم.
۲۶. معرفت، محمدهادی (ق ۱۴۲۸)؛ **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۲۷. ممتاز، فریده (۱۳۸۱)؛ **انحرافات اجتماعی**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۸. نراقی، مولی مهدی (۱۳۶۷)؛ **جامع السعادات**، سید جلال‌الدین نراقی، تهران، حکمت.
۲۹. وجدی، فرید (۱۹۷۱م)؛ **دایره المعارف**، بیروت، دار المعرفه، الطبعة الثانية.